اخبار

در نشست اتاق بازرگانی اعلام شد؛

ثبت جهانی شهرهای خلاق، رونق گردشگری به همراه نداشت

مدیر کمیته آموزش کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی گفت: اگرچه ثبت جهانی شهرهای خلاق از سال ۲۰۱۵ با ثبت دو شهر اصفهان و رشت شروع شد اما تا کنون به توسعه گردشگری در این شهرها دست پیدا نکردیم.

نخستین نشست تخصصی توسعه گردشگری در شهرهای جهانی خلاق ایران عصر روز گذشته ۱۲ بهمن ۹۸ در سالن جلسات اتاق بازرگانی ایران با حضور نمایندگانی از شهرهایی که در ایران به عنوان شهر جهانی خلاق شناخته شده اند؛ برگزار شد. در این نشست، مهنا نیک بین مدیر کمیته آموزش فرهنگ محور کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی بیان کرد: ثبت جهانی شهرهای خلاق در ایران از سال ۲۰۱۵ با ثبت دو شهر اصفهان و رشت کلید خورد اما از آن زمان تا کنون به توسعه گردشگری در این شهرها که قرار بود با ثبت جهانی رخ دهد، دست پیدا نکرده ایم. بنابراین قصد داریم تا در این جلسه به چرایی این موضوع بپردازیم.

وی گفت: سازمان جهانی یونسکو هر ساله کمک کمی می‌کند به شهرهای کوچک که از این طریق دارای برند می‌شوند تا این شهرها از آن کمک برای توسعه شهری استفاده کنند. در این میان برخی از شهرها به عنوان شهرهای خلاق خوراک، هنرهای سنتی، فیلم و... شناخته می‌شوند. این شهرهای کوچک ایده‌ای برای پیدا کردن مسیر خود به سمت جهانی شدن می‌گیرند.

نیک بین در ادامه بیان کرد: من شنیدم که گفتند یونسکو شهر خلاق رشت را به دلیل عدم انجام فعالیت‌های مرتبط تهدید به خروج از این فهرست کرده بنابراین باید بدانیم که نگه داشتن برند شهر خلاق از به دست آوردن آن مهمتر است. برخی محورهای سازمان‌های میان بخشی نیز لازم است که به این شهرها کمک کنند. رسانه‌ها در این زمینه بسیار مهم هستند اما زمانی که درباره یک شهر جستجو می‌کنیم تصاویر مناسبی از آنها در فضای مجازی پیدا نمی‌شود در صورتی که تصاویر این شهرها باید خیلی خوب تبلیغ شوند. استانداری‌ها نیز در هر شهری مهمترین نهادی است که می‌تواند به رونق آن شهر کمک کنند.

برند سازی مشکل دوم شهرهای خلاق است

وی با بیان اینکه جوامع محلی عنصر مهمی در گردشگری شهرهای جهانی محسوب می‌شوند افزود: شهرهای بین المللی خارجی به دنبال این هستند تا از این برندها برای تبلیغ شهرشان استفاده کنند و این برندها را به دست بیاورند ما توانسته ایم برای شهرهای مهم کشورمان این برند را کسب کنیم ولی چرا کاری برای تبلیغ آن انجام نمی‌شود؟ درحالی که می‌توان حتی کنفرانس‌های بین المللی نیز درباره شهرهای جهانی برگزار کرد.

اسعد اردلان رابط ملی شهر خلاق سنندج نیز در این برنامه گفت: ما باید مشکل گردشگری را از مشکل شهرهای خلاق جدا کنیم. برندسازی برای این شهرها مشکل دوم ماست. مسئله اساسی ما این است که استراتژی گردشگری ما مشابه استراتژی گردشگری شهرهای دیگر دنیا نیست. یک گردشگر چند سالی پول در می‌آورد و چند وقتی زمان صرف می‌کند تا مقصدی را پیدا کند وقتی به ایران می‌آید ما او را با مسائلی از جمله ویزا پشیمان می‌کنیم.

این پژوهشگر افزود: جمعیت ۹ میلیونی مجارستان در سال ۱۹۹۴ حدود ۳۱ میلیون گردشگر داشته است یعنی چهار برابر جمعیت خودش. باید بنیان گردشگری را این طور گذاشت و از راه گردشگری درآمد کسب کرد. درحالی که اکنون ایرانی‌ها ۳ میلیارد دلار پول به ترکیه برای گردش می‌برند.

اردلان با بیان اینکه سنندج به عنوان شهر خلاق موسیقی معرفی شد گفت: باور ما این بود که جایگاه موسیقی در این شهر نسبت به سایر استان‌ها بیشتر است و موسیقی در برنامه ریزی کلان کشور به دلیل ثروت ناشی از دانش عمومی و ایده پردازی، می‌تواند پشتوانه خوبی باشد. ضمن اینکه در این استان کشاورزی و گردشگری نیز بسیار مهم است. از طرفی گردشگری نیز با شهر جهانی در ارتباط است. در برخی جاها و در بحث‌های کلی توسعه، ایده شهرهای خلاق را داشته ایم و اینکه چقدر موسیقی می‌تواند به توسعه کمک کند.

سنندج ۶۰ خانه در حال تخریب دارد

سید مختار هاشمی رئیس کمیسیون گردشگری، اقتصاد ورزش و اقتصاد هنر اتاق بازرگانی سنندج نیز در این نشست با اعلام اینکه شهر خلاق روشی برای برنامه ریزی شهری است بیان کرد: مشکلات زیادی در این راه می‌بینیم یکی اینکه زیرساختهای فرهنگی لازم را نداریم. سنندج به عنوان شهر هزار تپه معروف است ولی به دلیل توسعه ناپایدار و زمین خواری‌های زیاد، این تپه‌ها در حال تهدید شدن هستند. همچنین ۶۰ خانه تاریخی در حال تخریب داریم که برنامه‌ای برای حفاظت از آنها نیست. پارک آبیدر نیز در حال تهدید است. چند روز پیش یکی از تپه‌های مهم زیر تیغ توسعه رفت.

وی ادامه داد: یونسکو، شهرداری‌ها و میراث فرهنگی در این قضایا بسیار دخیل هستند ولی آنها جامعه محلی را دخیل نمی‌کنند. مردم هم پیامد این اتفاقات را متوجه نمی‌شوند پیشنهاد می‌کنم که نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های متعددی را به خصوص درباره صنایع دستی در شهر سنندج برگزار کنیم. همچنین باید آکادمی موسیقی کردی در سنندج ایجاد شود مانند آنچه که در سلیمانیه شکل گرفت.

احمد پایدار مدیر مرکز خلاقیت و فناوری‌های نوین شهرداری بندرعباس هم درباره فعالیت‌های انجام شده در این شهر جهانی صنایع دستی بیان کرد: یکی از اقدامات انجام شده ایجاد بازار مجازی صنایع دستی با همکاری پارک فناوری بود که به سه زبان انگلیسی، فارسی و عربی فضایی را برای عرضه محصولات صنایع دستی در مدل‌های مختلف به وجود بیاورد. همچنین در سال ۲۰۲۱ جشنواره بین المللی خلیج فارس را در روز خلیج فارس برگزار می‌کنیم.

یک جامعه‌شناس مطرح کرد؛

جامعه ما دچار آنومی شده است

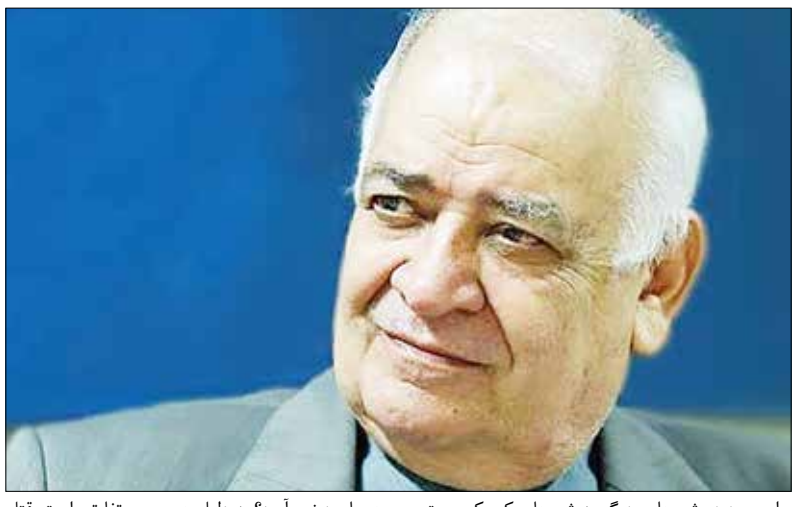

قرایی مقدم می‌گوید که جامعه امروز ایران دچار آنومی شده و این یعنی فروریزی فرهنگ و کم رنگ شدن هنجارها. به همین دلیل هم کنش‌های ایرانیان حسابگرانه شده؛ چنین جامعه‌ای ارتباطی با معنویت ندارد.

یک ویژگی مهم فرهنگی ایرانیان «مهمان نوازی» بود. اثبات این مدعا متون متعدد تاریخی است که امروزه به عنوان میراث معنوی در دست ماست. در فرهنگ ایرانی و اسلامی ارج و قرب میهمان به اندازه‌ای بالا بود که از او با عنوان «دوست خدا» یاد می‌شد و اکنون نیز می‌شود. غور در اخلاقیات و ویژگی‌های فرهنگی ایران در سده‌های پیشین نشان می‌دهد که در اقتضائات زندگی جدید آنچه فراموش شده نگاه بنیادین به فرهنگ و اخلاقیاتی است که در دل آنها جامعه از اصالتی ماهوی برخوردار بود. شبه مدرنیته حاکم بر ایران و وضعیتی که در دل مولفه‌های مختلف فرهنگ از جمله معماری پدید آورد، باعث شد تا بسیاری از سنت‌ها از بین برود.

اگر در مهمانی‌های قدیم میزبان هرچه را که داشت برای مهمان می‌آورد و ساعات و لحظات را به خوشی در کنار او به سر می‌برد، امروزه یا افراد از زیر بار مهمانی شانه خالی می‌کنند و یا اینکه از مهمان کردن و مهمانی دادن هدف و مقصود خاصی دارند و البته همان را هم با تکلف بسیار برگزار می‌کنند. به همه این موارد اضافه کنید شرایط اقتصادی نابسامان عامه مردم ایران را که به دلیل بی‌کفایتی دولتمردان ایجاد شده است. این در صورتی است که مهمانی‌ها باعث نشاط افراد جامعه می‌شود، یعنی شهروندانی که اکنون به افسردگی شهره هستند. مهمانی‌ها کارکردهای اجتماعی بسیاری هم دارند که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به رفع کدورت میان افراد، رواج فرهنگ گفت‌وگو و... اشاره کرد. درباره این وضعیت با جامعه شناس معاصر امان الله قرایی مقدم به گفت‌وگو نشستیم. قرایی مقدم مدرس دانشگاه و نویسنده کتاب‌هایی چون «انسان‌شناسی فرهنگی»، «مبانی جامعه‌شناسی»، «جامعه‌شناسی آموزش و پرورش»، «هنر اجتماعی و ملی» و... است.

بگذارید بحث را مستقیما با این سوال شروع کنیم که با این شرایط اقتصادی که برای ایرانیان ساخته شده است، سنت مهمانی دادن از نظر شما چه تغییر و تطوری پیدا کرده؟

مهمانی دادن از سنت‌ها و آداب و رسوم ایرانیان است، اما این سنت تا زمانی در جایگاه واقعی خود قرار داشت که جامعه در «حال معنوی» به سر می‌برد. امروزه متاسفانه ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی فرو ریخته است. وقتی جامعه شناسان از فروریزی فرهنگی سخن می‌گویند منظورشان دچار شدن اجتماع به آنومی است. آنومی یعنی فرو ریختگی هنجارها و کم رنگ شدن ارزش‌ها و از بین رفتن جایگاه واقعی سنت‌ها.

چرا جامعه ما دچار آنومی شده است؟

برای اینکه جامعه ما «صوری» شده و ذهنیت حاکم فرهنی بر اذهان حسی است. مادیات و اقتصاد امروزه حرف اول را می‌زنند. عشق، ازدواج، دوستی، رفاقت و... همگی اقتصادی شده است. بنابراین طبیعی است که در چنین جامعه‌ای مهمانی‌ها کم رنگ شود و افراد از در بی تفاوتی نسبت به هم درآیند. افراد جامعه ما امروزه رباتیک هستند و این بجز در شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک و حتی بسیاری از روستاها هم قابلیت تعمیم دارد.

مهمانی دادن از سنت‌ها و آداب و رسوم ایرانیان است، اما این سنت تا زمانی در جایگاه واقعی خود قرار داشت که جامعه در «حال معنوی» به سر می‌برد. امروزه متاسفانه ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی فرو ریخته است. وقتی جامعه شناسان از فروریزی فرهنگی سخن می‌گویند منظورشان دچار شدن اجتماع به آنومی است

به قول پیتیریم آلکساندروویچ سوروکین جامعه شناس مشهور معاصر و استاد دانشگاه هاروارد که من برای نخستین بار او را به جامعه آکادمیک ایران معرفی کردم، تمدن امروزه در سطح جهان حسی و مادی است. بنابراین عشق و ازدواج و دوام خانواده‌ها هم مادی است. اینکه ما به پدر، مادر، برادر یا خواهرمان توجه داریم بیشتر به خاطر مادیات است. هر کسی در زندگی اشخاص به آن اندازه مهم است که کار آنها را انجام دهد و وقتی کار را انجام داد دیگر فراموش می‌شود. شما وقتی به یک فروشگاه می‌روید صندوق دار تا زمانی برای شما ارزش دارد که پول را از شما گرفته و فرآیند خریدتان را تکمیل کند. همین و تمام. همین ارزش را خواهر، برادر و سایر اقوام پیدا کرده‌اند.

اما به قول شما در جامعه معنوی چنین وضعیتی حاکم نیست. مولفه جامعه معنوی چیست؟

در جامعه معنوی دلبستگی روحی و روانی دوام دارد. در تئوری سوروکین تمدن جهانی به سه دوره تقسیم می‌شود: «دوره عقلانی یونانی»، «دوره شهودی قرون وسطی» و «از قرن ۱۷ به بعد» که به دوره مادیات مشهور است. یعنی اکنون دوره مادیات و حسیات حاکم است. در این دوره این ویژگی‌های ظاهری است که اشخاص را تعریف می‌کند. به عبارتی اگر شما لباس گرانقیمتی به تن دارید و ماشین شما پورشه است، بنابراین ارج و قرب بالایی در میان افراد جامعه دارید.

یعنی از نظر شما ویژگی امروز جامعه ایران «حسابگری» است؟ اگر چنین باشد قاعدتا مهمانی‌ها هم باید در نتیجه «دو دو تا چهار تا» برپا شود؟

قطعا همین است. اکنون چرا به نظر شما همه بی‌تفاوت شده‌اند و این حجم اختلاس و دزدی مردم را به هیجان درنمی‌آورد؟ به دلیل همین بی تفاوتی است. قتل فجیع در میدان کاج تهران و یکسال بعد از آن قتل دختر دانشجو در پل مدیریت در جلوی چشم بسیاری از افراد رخ داد. اکنون اگر اوباشی برای نوامیس شما که در خیابان به تنهایی مشغول گذر است، مزاحمتی ایجاد کند هیچکس برای جلوگیری به کمک خواهر، مادر یا همسر شما نمی‌رود. چون همه چیز حسابگرانه شده است. می‌گویند که چه نفعی برای من دارد اگر برای کمک به جلو بروم؟ یا اگر آن فرد مزاحم آسیبی به من رساند زن و بچه من چه می‌شوند؟

در جامعه معنوی دلبستگی روحی و روانی دوام دارد. در تئوری سوروکین تمدن جهانی به سه دوره تقسیم می‌شود: «دوره عقلانی یونانی»، «دوره شهودی قرون وسطی» و «از قرن ۱۷ به بعد» که به دوره مادیات مشهور است. یعنی اکنون دوره مادیات و حسیات حاکم است

بنابراین اکنون اشیا ما را تعریف می‌کنند. النگو، ماشین بنز یا پورشه، لوستر، مبل گرانقیمت و... در تعیین جایگاه اجتماعی شنا در این تمدن مادی و حسی نقش دارند. چند دهه قبل من این هشدار را به مسئولان درجه اول کشور دادم، اما هیچکس آنها را جدی نگرفت. اگر جدی می‌گرفتند و برنامه‌های پیشنهادی من را پیاده می‌کردند که دیگر به چنین بلیه‌ای دچار نمی‌شدیم.

در این تمدن مادی مهمانی کردن خواهر و برادر، دوستان و اقوام بر اساس حسابگری است. زن و مرد حساب می‌کنند که با این وضعیت اقتصادی چرا و چگونه مهمانی بدهند؟ از وجه دیگری حسابگری خود را در قالب «پز» و «نمایش دادن» هم به رخ می‌کشد. یک ویژگی مهم جامعه امروز ایرانیان زندگی نمایشی تک تک آنهاست. افراد مصرفگرا و مصرفی شده‌اند تا نمایش بدهند. شخص مثلا پول درمان بیماری دندان خود را می‌دهد تا تلویزیون یا یخچال آخرین مدل بگیرد تا در مهمانی‌هایش پز آن را بدهد. در صورتی که دندان درد امانش را بریده است. نوکیسه‌ها و تازه به دوران رسیده‌ها هم که جای خود را دارند. بارها دیده‌ام که در مهمان‌ها خانم میزبان مدام گوشش را خارانده تا گوشواره جدیدش را به رخ مهمانان بکشد. یا همینطور مهمانی مفصلی می‌دهند تا دکوراسیون و تعویض وسایل منزل را به رخ مهمانان بکشند.

این نمایشی شدن رفتارها و کنش‌ها بد بلایی به سر ایرانیان آورده است. چه هزینه‌های سنگینی که بر گردن عروس و داماد برای شب عروسی‌شان نمی‌افتد؟ چرا؟ چون خانواده‌ها قرار است به هم پز بدهند. چه هزینه‌های آنچنانی و سنگینی که برای پذیرایی در مجالس ترحیم صرف می‌شود. اینها همه بلیه فرهنگی است.

قتل فجیع در میدان کاج تهران و یکسال بعد از آن قتل دختر دانشجو در پل مدیریت در جلوی چشم بسیاری از افراد رخ داد. اکنون اگر اوباشی برای نوامیس شما که در خیابان به تنهایی مشغول گذر است، مزاحمتی ایجاد کند هیچکس برای جلوگیری به کمک خواهر، مادر یا همسر شما نمی‌رود. چون همه چیز حسابگرانه شده است

بنابراین یا مهمانی نمی‌دهیم و یا اگر این سنت را به جای می‌آوریم برای نمایش است. امروزه دیگر خانه‌ها اتاق مهمان ندارند و یا این اتاق‌ها و سالن‌های پذیرایی متروکه است. بنابراین عدم رونق این سنت روی معماری ما هم تاثیر گذاشته است. چرا در دوره‌ای با وجودیکه خانم‌های ایرانی اعتقاد به حجاب داشتند و دوست داشتند راحت در آشپزخانه به طبخ غذا بپردازند، آشپزخانه‌ها اوپن ساخته می‌شد؟ چون یا مهمانی کردن محلی از اعراب نداشت یا برنامه ریزی برای تغییر فرهنگ حجاب شده بود.

بنابراین شاید با تمام مشکلات اقتصادی بتوانیم مهمانی بدهیم اما هدف از مهمانی دادن برآوردن سنت اسلامی صله رحم و تازه کردن دیدارها و... نیست.

فراموش نکنید که اشخاص حاضرند برای رسیدن به نمایش و جا نماندن از مسابقه مصرف حتی حقوق و درآمد یکماه خود را صرف یک شب مهمانی کردن کنند. در نهان و باطنشان فقیرند اما می‌خواهند از طریق اشیا خود را متمول نشان دهند. همه ما بارها در خانواده و نزدیکانمان دیده‌ایم که بسیاری از مجالس مهمانی برای نزدیک شدن به شخصی برپا شده است. یعنی یک حساب دو دو تا چهارتا کرده‌اند تا مثلا با مهمان کردن رییس اداره، جایگاه اداری خود را بالا ببرند.

همه این موارد نشان می‌دهد که جامعه ما دچار بی نامی و بی هویتی شده است. این تمدن حسی بد بلایی به سر فرهنگ و هویت ما آورده است. جایگاه علمی و خانوادگی اشخاص دیگر اهمیتی ندارد. مسابقه مصرف باعث شده که مردم برای تعیین جایگاه خود به مصرف نشانه‌های اقتصادی روی بیاورند. مطمئن باشید که هرکسی که حس کند دارد از این مسابقه جا می‌ماند شک نکنید در هر جایگاهی که قرار دارد دست به دزدی می‌زند. شما اگر بیکار شوید و یک روز حقوق نداشته باشید، همسرتان شما را به خانه راه نخواهد داد. امروزه دیگر علم و خوشنامی فرهنگی هیچ جایگاهی ندارد.

اما ما می‌توانیم با کارهای کوچکی به جنگ این مساله برویم. می‌توانیم حتی اگر شده به صرف یک چای همدیگر را مهمان کنیم و هدفمان هم فقط صرف مهمانی دادن و گذراندن ساعاتی خوش و هم‌صحبتی با مهمان باشد. ما نباید فرهنگ غنی‌مان را به مفت بفروشیم و سابقه چند قرن خوشنامی را چسبیدن به نمایش اشیا از بین ببریم. شما را اگر به شعر، ادبیات و کلا فرهنگ بشناسند، بسیار بهتر است تا به ماشین پورشه‌تان.

ستایش زندگی در زمانه عسرت

نگاه ایجابی به خصلت شاعری ایرانیان

نگاه شورانگیز برنامه «شب شعر» به شعر و ستایشی که از شعر دارند، باعث می‌شود که مؤلفه فروخفته در نظام فکری ایرانیان یعنی «زیست شاعرانه» دوباره بیدار شود پیتیریم آلکساندروویچ سوروکین، جامعه شناس مشهور آمریکایی (با تباری روس) نظریات تمدنی خاصی را ارائه کرد که می‌توان بر اساس آنها به بررسی جوامع مختلف پرداخت. در تئوری سوروکین تمدن جهانی به سه دوره تقسیم می‌شود: «دوره عقلانی یونانی»، «دوره شهودی قرون وسطی» و «از قرن ۱۷ به بعد» که به دوره مادیات مشهور است. اما چه چیز از قرن هفدهم به بعد گریبانگیر جوامع شد؟ پاسخ به این سوال را «آنومی» ذکر کرده‌اند که می‌توان با اندکی اغماض آن را تهی شدگی از معنا نیز نامید. رهایی از این آنومی سخت است و همچنین نمی‌توان آن را پنهان کرد. پنهان کردن و سرپوش گذاشتن بر آن نیز نه تنها هیچ دردی را دوا نمی‌کند، بلکه به فروپاشی اجتماع نیز خواهد انجامید.

سوال اینجاست که آیا جامعه امروز ایران نیز دچار آنومی است؟ نمی‌توان و نباید بدون کار جامعه‌شناختی قوی به این سوال پاسخ داد، اما می‌توان مصادیق این معناباختگی (از جمله نمایشی شدن و میل به نمایش دادن در میان ایرانیان و بسیار مثال‌های دیگر) را در بطن جامعه دید. مصادیقی که احتمالا باعث افسردگی جمعی نیز شده‌اند. شاید بتوان گفت که این زمانه «زمانه عسرت» است. زمانه‌ای است که حقیقت میل به غیاب پیدا کرده و به قول سیداحمد فردید (و او هم به نقل از هایدگر) ذیل سیطره متافیزیک قرار گرفته است. شاید بتوان وضعیت زمانه‌مان را به سخنی از هایدگر پیوند زد که اکنون «زمانه‌ای است که خدایان قدیم از میان ما رفته‌اند و خدای دیگری هنوز نیامده است.» در این بی‌معنایی ما منتظریم که تنها خدایی ما را نجات دهد، در صورتی که شعر می‌تواند نجات دهنده ما را از این بی‌معنایی (بی‌خدایی) باشد. پرسش این است که کار شاعر چیست؟ به قول فریدریش هولدرلین (شاعر برجسته آلمانی که هایدگر بسیار وامدار اوست) زندگی بشر در بنیاد خود شاعرانه است و اگر شعر و شاعر نبود ما ذات بشری خود را از دست می‌دادیم. بنابراین بنیاد هستی مردمان بر زمین را شاعران می‌گذارند. شاعران بیش از همه در آغاز یا فرجام دوران‌های جهانی تاریخ است که ظهور کرده‌اند. ملت‌ها با سرود از آسمان کودکی خود به زندگی کنش گرایانه‌شان، یعنی به سرزمین فرهنگ، پا می‌گذارند؛ و با سرود است که از این سرزمین به زندگی نخستین خود بازمی‌گردند.

هولدرلین تعبیر دیگری نیز دارد که نظام فکری نیچه سخت به او نزدیک است: شاعران یاران و اتباع قدسی دیونیسوسند که در شبی قدسی در عین سرگردانی از سرزمینی به سرزمین دیگر می‌روند. با نگاهی نیچه‌وار به این تعریف باید گفت که دیونیسوس مظهر وحدت هستی ناپایدار و فناپذیر است. در این حالت وحدانی و بنیادین، انسان نسبتی حضوری با عالم و آدم و مبدأ، شان پیدا می‌کند.

دیونیسوس در اساطیر یونان حاصل پیوند جاودانگی و فناست. (شرح اسطوره دیونیسوس را از منابع بخوانید) افسانه دیونیسوس او را مظهر ویژگی‌هایی دوگانه قرار می‌دهد و هستی بشری نیز با این ویژگی‌های متضاد و دوگانه رقم خورده است. این میان شعر وجه سرخوشانه هستی (در عین حس تراژیک زندگی) هستی است که به حضور انسان در زمین معنا می‌دهد و مسیر حقیقت را روشن می‌کند.

ستایش شعر ستایش زندگی است

آیا ما در ایران امروز با شعر نسبتی داریم؟ آیا به تعبیر هولدرلین بنیاد هستی ما را شاعران گذاشته‌اند؟ نمی‌دانم چه بر سر ما آمده، اما می‌دانیم که نه تنها از زیست شاعرانه فاصله گرفته‌ایم بلکه به کلی با شعر بیگانه شده‌ایم. تنها نسبت ما با شعر و جهان شاعرانه، یک وجه نمایشی سخیف ذیل صفحات اجتماعی است.

افسردگی جمعی حاصل از بی‌معنایی را بالاخره درمانی لازم است و این درمان را باید در شعر جست‌وجو کرد. هستی و نظام تفکر ایرانیان نیز شاعرانه است. ایرانیان هیچگاه در برهه‌های مختلف تاریخی پناهی جز شعر نداشته‌اند و هر زمان که شاعرانه زیستن را پیشه کرده‌اند، تاریخ مسیر خوبش را به آنها نشان داده است.

شعر معنایی به این هویت اکنون معناباخته ما می‌دهد و این یعنی ستایش زندگی. این ضرورت را هنوز رسانه‌های ایران درنیافته‌اند. به تازگی اما دوشنبه شب‌ها برنامه‌ای از شبکه چهارم سیما به زعامت و اجرای علیرضا بهرامی پخش می‌شود که عینا در ستایش زندگی است. برنامه «شب شعر» نام دارد، در سری جدید خود؛ و علیرضا بهرامی نیز نامی آشنا در دو حوزه ادبیات و رسانه است.

قسمت‌های پخش شده از این برنامه نشان دهنده آن است که تیم تولید فکر شده، با هوشمندی و همچنین رصد جامعه وارد گود شده‌اند. به نظر راقم این سطور کار آنها احتمالا پس از یک پژوهش جامعه شناختی وارد مرحله تولید شده است.

در زمانه‌ای که بدون تعارف یاس بر روان جامعه سیطره دارد، در این برنامه با هوشمندی هرچه تمامتر از ضرورت زیست شاعرانه سخن به میان می‌آید. آنها در عین اندوه زندگی را پیشنهاد می‌دهند. نگاه ایجابی آنها به خصلت شاعرانه و سعی آنها در بیداری دوباره این خصلت که در ناخودآگاه هر ایرانی وجود دارد، ستودنی است. آنها به خوبی در این زمانه پای شعر را وسط کشیده و چالش وظیفه اجتماعی شاعران را مطرح کرده‌اند.

آنها (یعنی تیم تولید) از سیاست فاصله گرفته‌اند و تنها سیاست‌شان پالایش اجتماع است. آنها مرزها را نفی کرده و بحث پیرامون مرز و مرزبندی را به سیاستمداران وا گذاشته‌اند و توصیه‌شان این است که با شعر مرزها را به کناری بگذارید و «گفت‌وگو» کنید. دقت کنید که یک ضرورت مهم در جامعه امروز ما «گفت‌وگو» است. ما به گفت‌وگو به معنای واقعی کلمه نیاز داریم. شعر بستری مناسب برای گفت‌وگو، هم میان خود ایرانیان و هم میان ایرانیان با اهالی دیگر کشورهاست و این ضرورت را تولیدکنندگان شب شعر به فراست دریافته‌اند.

ویژگی مهم این برنامه در این چند قسمت پخش شده از سری جدیدش، به‌جز موضوعات چالشی، آزادی در بیان عقیده‌ها و تفکرات است. اگر قرار به اثرگذاری است، چاره‌ای جز این هم وجود ندارد. بنابراین باید مسئولان پخش را نیز تحسین کرد. مجری برنامه که به طرز موثر اما به نرمی خود بخشی از متن است - نه صرفا ساقدوش رنگ و لعاب‌دهنده به آن - و نیز تیم تولید، به شکل مشهودی از دغدغه‌مندان هستند و «مساله» آنها جامعه فعلی است. ضرورت دارد که نگاه آنها در تولید ادامه پیدا کند.

کار آنها قطعا به نتایج خوبی در جامعه خواهد انجامید. نگاه شورانگیز آنها به شعر و ستایشی که از شعر دارند، باعث می‌شود که آن مؤلفه فروخفته در نظام فکری ایرانیان دوباره بیدار شود. حتی اگر این «رخداد» پیش نیامد و شکل نگرفت، کمترین کار آنها ترویج کتابخوانی است. کتاب شعر و کتاب شعر ترجمه در این دوران متاسفانه به بحران مخاطب دچارند و این برنامه به یقین، توانایی حل این بحران را دارد.

اخبار

در نشست خبری نهمین جشنواره بین‌المللی مدولباس فجر مطرح شد

نگاه ویژه به عفاف‌وحجاب درجشنواره اختصاص بخشی مرتبط به سرداردل‌ها

نشست خبری نهمین جشنواره بین‌المللی مد و لباس فجر برگزار شد.

بعد از برکناری حمید قبادی دبیر سابق کارگروه مد و لباس کشور در ۱۳ مردادماه سال جاری و انتخاب سرپرست دیگر برای این سازمان، ۲۹ آبان‌ماه مرضیه شفاپور به عنوان دبیر کارگروه مد و لباس کشور منصوب شد. بعد از گذشت چند ماه از فعالیت دبیر جدید اولین نشست خبری او با خبرنگاران به بهانه برگزاری نهمین جشنواره بین‌المللی مد و لباس فجر، امروز ۱۳ بهمن‌ماه، با حضور مرضیه شفاپور در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد.

شفاپور در این نشست خبری گفت: با توجه به اینکه امسال نهمین سالی است که عنوان مفهومی برای جشنواره انتخاب می‌کنیم عنوان امسال «فر گلستان» است.

او ادامه داد: در آستانه چهل و یکمین انقلاب اسلامی تصمیم گرفتیم این رویداد ملی را همراه با شعار سال رونق تولید ملی همراه کنیم، که به عنوان مد پایدار خواهد بود، همچنین نگاه ویژه‌ای به کالکشن‌سازی حجاب و عفاف داشته‌ایم تا رنگ را وارد این حوزه کنیم. بخش سوزن‌دوزی هم یکی از بخش‌های مهم جشنواره خواهد بود.

دبیر کارگروه مد و لبای کشور تصریح کرد: حضور کشورهای خارجی هم در جشنواره داریم البته با توجه به حمایت منطقه آزاد کیش تصمیم گرفتیم بخش خارجی را جدا نکنیم و بخش خارجی هم در تهران خواهد بود.

به گفته او، نزدیک به ۷۷۳۴ هزار اثر به دبیرخانه رسیده که احتمال می‌رود ۳ هزار طرح به اقبال داوران برسد.

شفاپور درباره بخش طراحی و مسابقه جشنواره مد و لباس فجر گفت: بخش ایده تا اجرا را همانند سال‌های قبل برگزار خواهیم کرد تا ایده‌های طراحان در جشنواره به نمایش گذاشته شود. همچنین یکی از برنامه‌های اصلی ما در جشنواره، موضوعی مرتبط با سردار دل‌ها حاج قاسم سلیمانی خواهد بود.

دبیر کارگروه مد و لباس کشور عنوان کرد: در کنار بخش مهم جشنواره مد پایدار، استارت‌آپ‌ها هم در این رویداد فعال است که امیدواریم به‌خوبی این بخش‌ها برگزار شود و فعالیت داشته باشند.

او اظهار کرد: ما امسال هزینه افتتاحیه را به سیل سیستان و بلوچستان اختصاص دادیم و افتتاحیه نداریم، شروع جشنواره ۲۴ بهمن‌ماه خواهد بود که علاقه‌مندان می‌توانند در مجتمع نمایشگاهی گفتگو حضور داشته باشند. اختتامیه هم ۴ اسفندماه در تالار وحدت برگزار خواهد شد.

شفاپور درباره طراحی پوستر گفت: شعار امسال جشنواره مد و لباس فجر «ایران جان و فر گلستانم آرزوست»، بخشی از طراحی برگرفته از سیاه دوزی استان گلستان است. که به هنر و فرهنگ دو استان گلستان و خراسان جنوبی توجه شده است.

او گفت: امیدواریم کارگروه مد و لباس در ادامه قدم‌های بزرگ و مؤثری در حوزه مد و لباس ایرانی اسلامی بردارد و توجهی به فرهنگ اقلیمی کشور داشته باشد تا هنر و فرهنگ اقوام را زنده نگاه دارد.

شفاپور درباره بخش‌های جشنواره توضیح داد: هشت بخش مسابقه، طراحی، علمی و دانشگاهی، صنعت و فناوری نوین، بخش اقوام و ۱۶ استان، بخش بین‌الملل در جشنواره فعالیت خواهند داشت. همچنین نزدیک به ۱۰ کشور بنگلادش، اسلوونی، هند، ترکیه، افغانستان، عمان، ایتالیا، عراق و اندونزی آثارشان در جشنواره حضور دارد.

او درباره کارگاه‌های جشنواره گفت: نزدیک به ۵۰ ورکشاپ در جشنواره برگزار خواهد شد، المان‌های سوزن‌دوزی گلستان آموزش داده می‌شود. همچنین شاخص‌های انتخاب داوران بیشتر به جنبه تجربه‌های آنان و تمرکز به حوزه علمی‌شان است.

شفاپور درباره مجوز ایونت‌ها در سطح کشور گفت: مجوزها برای مدتی قطع شده بود که من سعی کردم آنها را احیا کنم و مجوزها داده شود و اینکه مؤسسات مد و مزون‌ها هم فعالیتشان را به‌خوبی از سر گرفتند تا بتوانند در این حوزه آثار خوبی تولید کنند.

همچنین در این نشست خبری از پوستر نهمین جشنواره بین‌المللی مد و لباس فجر رونمایی شد.

معرفی کتاب

تاریخ شفاهی دفاع مقدس به روایت سردار غلامپور

کتاب «جوانان اهواز زنده‌اند» جلد اول از کتاب تاریخ شفاهی دفاع مقدس به روایت سردار احمد غلامپور است. این کتاب از ۱۵ گفتگو تشکیل‌شده که شامل سه دوره از زندگی سردار غلامپور می‌شود.

کتاب «جوانان اهواز زنده‌اند» جلد اول از کتاب تاریخ شفاهی دفاع مقدس به روایت سردار احمد غلامپور است. این کتاب از ۱۵ گفتگو تشکیل‌شده که شامل سه دوره از زندگی سردار غلامپور می‌شود: دوره کودکی تا انقلاب اسلامی، دوره پس از انقلاب اسلامی تا وقوع جنگ تحمیلی و دوره هجوم ارتش عراق تا آزادسازی خرمشهر. اولین جلسه گفتگو با سردار غلامپور در ۲۷ مرداد سال ۱۳۸۸ در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس برگزارشده است.

سردار احمد غلامپور در سال ۱۳۳۵ در خانواده‌ای پرجمعیت در جنوب اهواز به دنیا آمد و در دوران کودکی و نوجوانی علاقه بسیار زیادی به فوتبال داشت. او در دوران دبیرستان با مسائل اعتقادی و سیاسی آشنا شد و دوستی و معاشرت با افرادی که در مسجد فعالیت می‌کردند، وی را به عرصهٔ مبارزه سوق داد. غلامپور پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عضویت سپاه پاسداران درآمد و با شروع جنگ تحمیلی، به محور سوسنگرد رفت و مسئولیت عملیات را برعهده گرفت. او در دورهٔ مقاومت در برابر تجاوز ارتش عراق و عملیات‌های سال اول جنگ، حضوری فعال و مؤثر در جبهه‌ها داشت. وی بعد از مدتی به اهواز فراخوانده شد و در پایگاه منتظران شهادت (گلف) در کنار فرماندهان اصلی جنگ ازجمله رحیم صفوی، غلامعلی رشید و حسن باقری قرار گرفت و تجربه‌ها و توانمندی‌هایش افزایش یافت.

در عملیات فتح‌المبین، او جانشین مجید بقایی در قرارگاه فجر بود و همزمان با این عملیات، مسئولیت آماده‌سازی منطقه عملیاتی بیت‌المقدس (عملیات آزادسازی خرمشهر) را نیز بر عهده گرفت. وی سپس با دستور محسن رضایی، فرماندهی قرارگاه قدس را در عملیات‌های بیت‌المقدس و رمضان بر عهده داشت.

مجید مختاری برگزارکننده جلسات گفت‌وگو است که خود از راویان دوران دفاع مقدس است. وی در هر گفتگو با اشاره به اسناد و مدارک و گزارش‌های موجود در دفاتر راوی، سؤالاتی را از سردار غلامپور پرسیده است و سعی کرده تا مسائل و اتفاقات را با طرح سوالات و پاسخ توسط راوی برای مخاطب روشن و تبیین کند.

متن کتاب تاریخ شفاهی دفاع مقدس به روایت احمد غلامپور به‌طور سلیس و روان است و با مطالعه کتاب، وقایع مطرح‌شده در ذهن مخاطب به تصویر کشیده می‌شود. قرار گرفتن چکیده مطالب در ابتدای هر فصل از ویژگی‌های کتاب تاریخ شفاهی سردار غلامپور است به‌طوری‌که خواننده با آنچه قرار است بخواند آگاه می‌شود. همچنین در پایان هر فصل ضمیمه‌های م